

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراه فودداری فرماید.

# אגדה קלדה

דח

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرماید.

4 فشوآن 5781

## 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100

می کرد و دوباره مردم دوره کشتی را نابود می کردند و نوخ دوباره از نو شروع می کرد تا اینکه در سال آخر ، سال صدم ، خد-اوند چندین خرس و شیر فرستاد تا کشتی را احاطه کردند و نوخ توانست ساخت کشتی را تکمیل نماید ، بدون اینکه مردم دوره این کشتی را بشکنند. ولی با این حال مردم دوره ، نوخ را تهدید می کردند که موقع وارد شدن به کشتی ، بر سر او می ریزند و نمی گذارند که وی وارد کشتی شود. با این حال نوخ ناامید نشد و به خد-اوند اطمینان داشت که وارد کشتی خواهد شد و از طوفان نجات پیدا خواهد نمود.

این مورد پندی بزرگ است ، وقتی هلاخای جدید یا نکته ای را از پند و اندرز توراه می آموزیم ، شروع به انجام این مورد می نماییم و تا وقتی برای ما راحت است در انجام این مورد پشتکار داریم ، ولی وقتی کمی سخت شد و چند مانع سر راه ما قرار گرفتند ، تسلیم شده و دست از کار می کشیم.

برای مثال ، همین یک ماه پیش ایام روش هشانا و کیپور را پشت سر گذاشته و هر فردی ، موردی را در عبادت خد-اوند بر خود قبول نمود برای مثال تمرکز بیشتر در خواندن تفیلا یا وقت بیشتری برای آموزش توراه و غیره. ولی حال باید بررسی کرد تا چه حد این قولها را به یاد داریم. شاید قسمتی از قولهای خویش را فراموش کرده ایم و شاید قسمتی از این قولها را به سبب سختیها و موانع ریز و درشت به کنار رفته اند و آنها را انجام نمی دهیم.

در این پاراشا در مورد ساخت کشتی می خوانیم و با کمی تأمل می فهمیم ساخت این کشتی کار بسیار سخت و دشواری بود که می تواند باعث پیشرفت ما در عبادت خد-اوند گردد.

راشی توضیح می دهد برای ساخت کشتی ، نوخ صد سال وقت گذاشت تا مردم متوجه شوند روز نابودی دنیا نزدیک و نزدیکتر شده و باعث توبه آنها گردد.

به این صورت که برای ساخت کشتی ، ابتدا نوخ درخت کاشت و چند سال وقت گذاشت و زحمت کشید که این درختها بزرگ شوند. سپس چندین سال وقت صرف نمود تا درختها را ببرد و از آنها چوب تهیه نماید و آرام آرام کشتی را ساخت ، زیرا نوخ نه آره برقی داشت و نه وسایل مدرن دیگر و لازم بود همه کارها را دست تنها انجام دهد. لازم بود نوخ ، کشتی به این بزرگی را با قیر بپوشاند و در آن دوره ، وسایل مدرنی نبود که کار وی را ساده نماید ، پس ساخت کشتی صد سال طول کشید.

با تأمل در این مورد از پشتکار نوخ شگفت زده می شویم که چطور اینقدر صبر و حوصله داشت تا کشتی را بسازد و با وجود این همه سختی ، تسلیم نشد و در ساخت کشتی تمام تلاش خویش را نمود تا این که پس از صد سال ، این کشتی ساخته شد و هنگام وقوع طوفان ، نوخ و خانواده اش وارد این کشتی شدند.

راشی در تفسیر خود می نویسد نه تنها مردم دوره توبه نکردند ، بلکه نوخ را مسخره نموده و کشتی را خراب می کردند و نوخ دوباره از اول چوب می برید و ساخت کشتی را از ابتدا شروع

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

خود به ما دریغ ننمایید. 6.6. 50465 16171616 پست الکترونیکی [davidsbeam@gmail.com](mailto:davidsbeam@gmail.com)

راه خویش را ادامه دهیم. وقتی غریزه بد می‌بیند در هر شرایطی ، شخص می‌صوای خد-اوند را انجام می‌دهد و تسلیم نمی‌شود و نمی‌گذارد به هیچ وجه غریزه بد به قلب وی رخنه نماید ، این باعث می‌شود خد-اوند نیز کمک خود را بفرستد و موانع را از سر راه این شخص بردارد. باید دانست این آزمایشات برای تقویت فرد در عبادت خد-اوند هستند تا بیشتر از درجات روحانی بالا رود.

به یاری خد-اوند ، ما نیز تمام تلاش خویش را در عبادت خد-اوند انجام داده تا به زودی ، به نجات کامل مزکی شویم.

حال باید از نوخ الگو گرفته و تأمل نماییم که چگونه نوخ در ساخت کشتی پشتکار داشت و با وجود تمام سختیها تسلیم نشد و تلاش زیادی نمود تا می‌صوای خد-اوند را انجام دهد. ما نیز باید در برابر سختیها ایستاده و نگذاریم کمی سختی و یا چند مانع ، ما را از عبادت خد-اوند بازدارد و باعث شود قولهای خویش را فراموش نماییم. مورد دیگر اینکه هر یک از ما موظف است به مانند نوخ ، برای خود یک "کشتی" بسازد تا تحت تأثیر نظرات و موارد فاسد دوره قرار نگیریم و هر روزه خود را در عبادت خد-اوند قوی کرده تا به دلیل سختیها و مشکلات موجود ، وسط راه تسلیم نشده ، راه خویش را ادامه دهیم.

باید دانست هر شخصی که در راه خد-اوند قدم برمی‌دارد ، غریزه بد برای وی مشکل ایجاد می‌کند تا این شخص تلاش خود را ادامه نداده و از صعود در معنویت منصرف شود. این مورد هم در دوره ما و هم در دوره‌های قبل تا زمان پدران مقدس دیده می‌شود.

با کمی تأمل در زندگی آنها متوجه می‌شویم هر گاه می‌خواستند در عبادت خد-اوند قوی شوند و از پله‌های معنویت بالا روند ، برای آنها سختی و مشکلاتی پیش می‌آمد که معلوم نیست چگونه توانستند در برابر این سختی‌ها بایستند.

در پاسخ باید گفت تمام سختیهایی که غریزه بد جلوی پای فرد می‌گذارد ، همه تصور و خیال هستند و اینها جلوی راه وی سبز شده تا بترسد و راه خویش را تغییر دهد. از این رو ، هر گاه سختی پیش می‌آید ، باید دانست این سختی از سمت غریزه بد است و در برابر آن باید تصمیم قطعی گرفت که کوتاه نیامده و

## اطمینان به خد-اوند

ییسرائل برساند. در آخر تصمیم گرفت به راه افتد و به خد-اوند اطمینان داشته باشد که مشکل او را حل خواهد نمود.

او به سمت یکی از شهرهای آلمان به راه افتاد ، از آنجا لازم بود با قطار به یکی از شهرهای بندر و از بندر با کشتی به مصر برود و از مصر به سرزمین ییسرائل عزیمت نماید. او به ایستگاه قطار رسید و برای خرید بلیط در صف ایستاد. نوبت او که رسید ، بلیط مورد نظر را سفارش داد و یک اسکناس ده مارکی به صندوقدار داد. صندوقدار نیز بلیط و بقیه پول را به او پس داد. وقتی این راو بقیه

سال ۵۶۹۵ عبری برابر سال ۱۹۳۵ میلادی بود (سه سال قبل از شروع ۱۹۳۷ و کشته شدن شش میلیون یهودی به دست سربازان نازی) که یکی از راه‌های لیطا برگه اعزام به سربازی را دریافت نمود. این راو دست به هر کاری زد تا خود را از سربازی معاف کند ، ولی تمام تلاش او بی‌ثمر ماند. در آخر راهی برای او باقی نمانده بود مگر فرار به سرزمین ییسرائل. مشکل اینجا بود که این شخص فقط تا رسیدن به مصر پول داشت و نمی‌دانست پس از رسیدن به مصر ، چکار کند و چگونه خود را به سرزمین

کند ، ترجیح می‌دهد پول را از جیب خود بگذارد تا مبادا مجبور شود بگوید اشتباه کرده و به احتمال زیاد ، به خاطر این اشتباه کار خود را از دست بدهد. تو هم زیاد بحث نکن ، پول را بردار و برو." این راو خوشحال و خندان دست خود را در جیب کرد و به شادمانی به طرف قطار قدم برداشت ، حال به اندازه کافی پول داشت که به سرزمین یسرائل بیاید.

این مورد و موارد بی‌شمار دیگری می‌آموزاند که همواره باید به خد-اوند اطمینان داشت و دانست در هر مورد و مشکل ، خد-اوند می‌تواند ما را نجات دهد و مشکل ما را حل نماید. باید دانست و اطمینان داشت همه موارد این دنیا به دست خد-اوند است و خد-اوند این دنیا را طبق میل خود اداره می‌کند ، خد-اوند فرستادگان زیادی دارد و به راحتی می‌تواند موارد را تغییر دهد.

این وظیفه ما است روزانه اطمینان خود را به خد-اوند قوی‌تر کنیم و بدانیم موفقیتها و پیروزیهای ما به دلیل بینش و قدرت ما نیستند ، هم چنان که آن صندوقدار باعث و بانی رسیدن آن راو به سرزمین یسرائل نبود. بلکه این خد-اوند است که این درک ، بینش و قدرت را داده تا بتوانیم موفقیتهای زندگی را کسب نماییم. پس نباید متکبر شد ، بلکه باید با تواضع در مقابل خد-اوند ایستاد ، از نعمات او تشکر نمود و برای آینده نیز تفیلا خواند که هم چنان که اکنون خد-اوند مشکلات ما را حل می‌کند ، در آینده نیز ما را یاری داده تا بتوانیم مشکلات و موانع زندگی را با موفقیت پشت سر گذاریم.

پول را گرفت ، متوجه شد صندوقدار اشتباه کرده و بجای بقیه اسکناس ده مارکی ، به او بقیه اسکناس صد مارکی را پس داده است.

این راو مورد را سنجید و با خود گفت: "بر طبق هلاخا این دزدی حساب می‌شود و من باید بقیه پول را برگردانم."

او به سمت صندوقدار رفت و به او گفت: "تو به من بقیه اسکناس صد مارکی را دادی ، نه ده مارکی ، این پول متعلق به تو است." صندوقدار با بی‌حوصلگی گفت: "برو و وقت من را نگیر ، من اشتباه نکردم."

این راو دوباره توضیح داد و گفت: "من نمی‌خواهم پول ناحق پیش من بماند."

ولی صندوقدار با لحنی جدی گفت: "برو از اینجا و مزاحم کار من نشو ، خودت اشتباه می‌کنی."

این راو دوباره حرف خود را بازگو کرد و اصرار کرد که صندوقدار پول را پس بگیرد و گفت: "من مطمئن هستم اسکناس ده مارکی دادم ، من نمی‌خواهم پولی که متعلق به من نیست را بردارم."

این بار صندوقدار با لحنی جدی و عصبانی گفت: "دور شو و از اینجا برو ، تو خودت اشتباه می‌کنی ، وقت من را نگیر ، برو از اینجا ، من کار زیادی دارم و وقت شنیدن مزخرفات و چرندیات تو را ندارم."

به ناچار آن راو از آنجا دور شد و نفهمید چرا صندوقدار نمی‌خواهد پول را پس بگیرد.

یکی از مسافران که متوجه این صحنه شد ، به طرف او آمد و گفت: "در آلمان همه چیز دقیق است و همه چیز باید دقیق باشد ، اگر صندوقدار اشتباه کند و پول زیاد پس دهد ، او را از کار برکنار می‌کنند و برای چنین شخص نامنظمی ، پیدا کردن کار جدید بسیار دشوار خواهد بود. به همین جهت ، اگر صندوقداری اشتباه

## هگائون ربی الياهو از ويلنا

متشکل شده بود. در ده سالگی ، ربی الياهو دیگر نیازی به راو و معلم نداشت و به تنهایی مشغول آموزش تورا شد و پیشرفت زیادی را در علم تورا کسب نمود و تمام بزرگان دوره ، متوجه درجه مخصوص او در تورا بودند.

همگی نام هگائون ربی الياهو از ويلنا را شنیدیم. وی در موعده پسخ سال ۵۴۸۰ عبری برابر ۱۷۲۰ میلادی در یکی از شهرستانهای لیطا به دنیا آمد و از همان کودکی ، با پشتکار بسیار مشغول آموزش تورا شد. او از شش سالگی برای جماعت دراشا می‌کرد ، آن هم جماعتی که از عالمان و دانش‌آموزان تورا

همینطور که می‌بینید ، پس از نیمه شب ، خسته و کوفته به خانه می‌روم. ولی با این حال وضع مالی من خوب نیست و به سختی زیاد خرج خانواده را می‌دهم. حال می‌خواهم بدانم آیا در دنیای آتی ، حال و وضع من خوب خواهد بود؟"

هگائون از ویلنا در پاسخ فرمود: "خوب به حرف خود گوش بده ، تو روزانه تمام قدرت و وقت خود را صرف مسائل این دنیا می‌کنی ولی هنوز زندگی تو به سختی اداره می‌شود ، حال توقع داری با وجود این که برای عالم باقی هیچ زحمتی نمی‌کشی ، قسمت خوبی را در عالم باقی داشته باشی؟! تو باید به خداوند ایمان داشته باشی که تنها با چند ساعت کار در روز ، روزی تو را فراهم خواهد کرد ، به همین سبب باید ساعات کاری خود را کم کنی و بقیه روز را به آموزش تورا و انجام میصوهای تورا مشغول شوی."

هگائون از ویلنا روز نوزدهم ماه تیشری سال ۵۵۵۸ دارفانی را وداع گفت. وی در لحظات آخر زندگی خود ، صیصیت خود را دست گرفت و با گریه فرمود: "چقدر این دنیا ارزشمند است ، در این دنیا با پول کمی می‌توان یک صیصیت خرید و با آن میصوا انجام داد و مزکی به دیدن نور جلال شخینا شد ، ولی در دنیای باقی ، دیگر نمی‌توان هیچ میصوایی انجام داد ، حتی با دادن تمام پول این دنیا."

این مورد باید برای ما سرمشق و الگو باشد تا تمام عمر و زندگی خود را صرف مسائل این دنیا ننماییم و از وقت خود برای آموزش تورا و انجام میصوهای آن استفاده نماییم.

درجه والای ربی الياهو در تورا را نمی‌توان توصیف نمود. وی هر ماه یک بار تمام تلمود را می‌آموخت و می‌توانست به راحتی توضیح دهد هر هالاخا و هر مورد از تورا شفاهی ، در کجای تورا کتبی ذکر شده است.

تا سن چهل سالگی ، ربی الياهو تقریباً هفتاد کتاب در موضوعات مختلف چون هالاخا ، تفسیر تورا ، نویئیم ، کتوبیم و حتی در مورد رموز تورا نوشت. از چهل سالگی به بعد ، درک و فهم ربی الياهو در تورا آنقدر بالا و سریع بود که دیگر امکان نوشتن آنها نبود. یک بار ربی الياهو به فرزند خود فرمود فقط بر یکی از جملات شیر هسیریم ، ۱۵۰ تفسیر مختلف دارد و بار دیگر فرمود در خواب ، ۲۲۶۰ تفسیر بر یکی از مسائل عمیق علم قبلا بر او آشکار شد.

ربی الياهو در قسمتی از زندگی‌اش بر خود گالوت قبول نمود و همواره از شهری به شهر دیگر می‌رفت. یک بار در ساعات دیر وقت شب به دنبال مکانی برای استراحت بود که یک کالسکه‌چی را دید. ربی الياهو از آن کالسکه‌چی پرسید: "آیا در این مکان مسافرخانه و یا مکانی برای استراحت است؟"

آن کالسکه‌چی که یهودی بود ، متوجه شد او بزرگی در مقابل او ایستاده و از او دعوت کرد به خانه او بیاید و شب را آنجا سپری نماید. هر دو به خانه کالسکه‌چی رسیدند و کالسکه‌چی از ربی الياهو پذیرایی کرد و برای او سوپ و نان آورد. از طرز خوردن و براخا گفتن ، کالسکه‌چی فهمید این شخص ، او بزرگی است و به همین جهت با او درد دل کرد و از سختیهای زندگی خود گفت. در آخر کالسکه‌چی پرسید: "من هر روز ، قبل از سپیده دم از خواب بیدار می‌شوم و از این دهات و به آن دهات مسافرکشی می‌کنم و

## قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

\* **یروشالیم:** گنولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

\* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱ \* **کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

\* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶ \* **بیطار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۱۴۲۸۹۳۶

\* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)